

رهیافتی به شاخص های محتوایی ادبیات تعلیمی در اشعار، سیره و سخنان امام رضا (علیه السلام)

امیر علی پور^۱، علی اصغر یساقی^۲

^۱ دانش آموخته کارشناسی ارشد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، مشهد
alipour.rt@gmail.com

^۲ استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، ایران (نویسنده مسئول)
ali.yasaghi@yahoo.com

نویسنده مسئول: ali.yasaghi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۴

چکیده

یکی از مهم ترین اهداف ادبیات تعلیمی که سراینده را به سرودن این نوع شعر دعوت می کند، آموزش مسائل اخلاقی، تعلیم اندیشه های پسندیده مذهبی، دینی، فلسفی و عرفانی است. امام رضا (ع) یکی از شخصیت های دینی است که سخنان منثور و منظوم ایشان از حیث محتوا بسیار معرفت آموز و گره خورده با مفاهیم تعلیمی و اخلاقی است. مقاله حاضر با هدف بررسی اهم شاخص های محتوایی ادب تعلیمی منظوم و منثور فارسی و عربی در اشعار، سیره و سخنان امام رضا علیه السلام، ابتدا به استخراج مهم ترین شاخص های محتوایی ادبیات تعلیمی پرداخته و سپس با استفاده از شواهد روایی، مصداق های عینی در سخنان و اشعار آن حضرت بیان نموده است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است و با مطالعات احادیث و اشعار رضوی نمونه هایی از مصداق های عینی شاخص های محتوایی ادبیات تعلیمی مشاهده خواهد شد. از جمله مهم ترین این شاخص ها می توان به آموزنده بودن، تأکید بر عقل گرایی و تفکر، بی اعتنایی نسبت به دنیا و نکوهش آن، اشاره به آیات و روایات، آموزه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، ذکر آموزه ها و ارزش های اخلاقی به شیوه پند و اندرز، آموزه های عرفانی، زهد، تعالیم و رهنمودهای دینی، مذهبی، واقع گرایی و دوری از خیالبافی اشاره کرد. آنچه که دستاورد اصلی این پژوهش به شمار می رود، این است که در همه اشعار و سخنان آن حضرت، هدف ادبیات تعلیمی و شاخص های آن، که همان آموزش و هدایت مخاطبان است، به کار رفته است و از میان کارکردهای ادبیات تعلیمی بر کارکرد اخلاقی و فرهنگی تأکید فراوان دارد.

کلید واژه: امام رضا (ع)، ادبیات تعلیمی، کارکرد اخلاقی - فرهنگی، اشعار، سیره

طرح مسئله

ادبیات تعلیمی، یکی از مهم ترین، اصلی ترین و در عین حال موثرترین گونه های ادبی است. از آنجا که ادبیات هرملتی آیینۀ تمام نمای تفکرات، اندیشه ها، فرهنگ و آداب و رسوم آن ملت است، به بهترین شکل ممکن و با زبانی هنری به نگارش درآمده است و دسته بندی آنها نیز با توجه به شکل و محتوا و براساس ویژگی ها و تفاوت های آنها صورت می گیرد. گاهی نیز برخی از شاهکارهای ادبی ملت ها تلفیقی از چند نوع ادبی «حماسی، عرفانی، غنایی، تعلیمی و ...» است (شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۷). از میان انواع ادبی، نوع تعلیمی آن یکی از گسترده ترین و کهن ترین گونه های ادب فارسی به شمار می رود که علاوه بر شکل مستقل آن در قالب آثار اخلاقی منظوم و منثور فارسی و عربی ارائه می شود، لذا بن مایه اصلی این نوع ادبی «اخلاق» است و با توجه به این مهم، نیکبختی انسان در سایه آن رقم می خورد. رسالت اسلام و به ویژه پیامبر اکرم (ص) و جانشینان آن حضرت نیز برپایه اخلاق پی ریزی شده است و از دیرباز سیره اهل بیت (ع) ایشان نیز بر همین منوال بوده است تا همه مسلمانان و بویژه شیعیان در سرتاسر جهان، زندگی این بزرگواران را سرمشق و الگوی خود قرار دهند. افزون بر این، از تعابیر قرآن کریم نیز چنین برمی آید که زندگی آن حضرت اگر به دور از مکارم اخلاق می بود، هدف رسالت ایشان نیز به پایان نمی رسید (آل عمران: ۱۵۹)، از این روی این وجه، یکی از ویژگی های برجسته پیامبر گرامی اسلام (ص) و جانشینان آن حضرت است.

از دیگر صفات و ویژگی های برجسته ائمه اطهار (ع) تسلط آنان به دانش های مختلف و مهارت آنان در علوم و فنون مختلف است. وجود این موهبت الهی که گستره وسیعی از زندگی ایشان را شامل می شود برای هر انسان اندیشمندی که پیوسته در سیره علمی و عملی ایشان می اندیشد، به روشنی قابل مشاهده است. از اموری که پیشوایان شیعه در آن سرآمد بوده و در مواقع لزوم از آن بهره می بردند «سردن شعر» است و اساساً آنان بدون آنکه به عنوان یک فرد شاعر یا ادیب مطرح باشند، به جهت برخورداری از علم لدنی، در حوزه ادبیات نیز سرآمد و الگو بوده اند. از این رو تنها صفتی که می توان به وسیله آن تمام برجستگی های علمی و معنوی آن بزرگواران را به جهانیان شناساند؛ همان صفت «امام» است (سراج، ۱۳۸۸: ۴۰۳). براین اساس در این پژوهش کوشیده ایم تا با روش توصیفی - تحلیلی از میان دو گونه شاخص های صوری و محتوایی ادبیات تعلیمی، برخی از شاخص های محتوایی را برگزیده و رویکرد نقش آفرینی ادبیات تعلیمی را در اشعار و سخنان منسوب به ابوالحسن علی بن موسی الرضا (ع) بررسی، تحلیل و تبیین نموده تا از این رهگذر بتوانیم کارکردهای موجود در اشعار و روایات آن حضرت را که نوآوری این نوشتار است، به علاقه مندان این حوزه بشناسانیم.

۱. ادبیات نظری پژوهش

۱-۱. پیشینه پژوهش

بررسی های نگارنده گویای آن است که تاکنون پژوهش مستقلی پیرامون شاخص های محتوایی ادبیات تعلیمی منظوم و منثور عربی و فارسی در اشعار و سیره امام رضا (ع) سامان نیافته است؛ گو اینکه درباره شاخص های محتوایی و صوری ادبیات تعلیمی پژوهش هایی انجام گرفته که به ذکر چند نمونه اکتفا می شود:

۱. مقاله «شاخص های محتوایی و صوری ادبیات تعلیمی»، رحمان مشتاق مهر و سردار بافکر، منتشر شده در پژوهشنامه ادبیات تعلیمی دهقان سال ۱۳۹۴، شماره ۲۶، صص ۱-۲۸ که در آن، برای هر یک از شاخص های محتوایی و صوری نمونه هایی از قالب های مثنوی، رباعی، قصیده، غزل و نثر و... ذکر شده است.

۲. مقاله «انواع ادبی در شعر فارسی»، پورنامداران، تقی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه قم، سال ۱۳۸۶، شماره ۳، ۷-۲۲ که نویسنده به انواع گونه های ادب فارسی را جست و جو کرده است.

۳. مقاله «سیره قرآنی امام رضا (ع)»، محمد جواد مروجی طبسی، محمدجواد، مجله فرهنگ کوثر، سال ۱۳۸۵، شماره ۶۷

۴. مقاله «انواع ادبی و شعر فارسی»، محمد رضا شفیعی کدکنی، محمد رضا، مجله رشد آموزش ادب فارسی، سال ۱۳۷۲، شماره ۳۲، ۴-۹.

ما در این پژوهش در پی آنیم تا از میان دو گونه شاخص های صوری و محتوایی ادبیات تعلیمی موجود در ادب فارسی، برخی از شاخص های محتوایی را برگزیده و رویکرد نقش آفرینی ادبیات تعلیمی را در اشعار و سخنان منسوب به ابوالحسن علی بن موسی الرضا (ع) بررسی، تحلیل و تبیین نمائیم.

۲-۱. هدف و ضرورت پژوهش

این پژوهش از آن جهت حائز اهمیت است که شخصیت و سیره امام رضا (ع)، به عنوان یکی از شخصیت های دینی تأثیرگذار و نمونه که اشعارشان از حیث محتوا بسیار معرفت آموز و گره خورده با مفاهیم تعلیمی و اخلاقی است، می تواند راهنما و راهگشای مخاطبان و دوستداران آن حضرت باشد و از تعالیم اخلاقی ایشان در زندگی خود بهره گیرند. از این روی بیان برخی از شاخص های محتوایی در اشعار و سخنان منسوب به ابوالحسن علی بن موسی الرضا (ع) و ذکر آموزه های تعلیمی آن حضرت در روایات منقول از ایشان و همچنین اشعار حکمی و تعلیمی، در جهت رساندن مقصود خویش بستر مناسبی بوده که آن حضرت هدفش را که آراستن انسان به صفات حمیده و پیراستن از صفات ردیله است، را بدین وسیله به منصه ظهور برساند و زمینه رشد و تعالی علاقه مندان خود را از اشعاری که سرشار از یاد و ذکر خداوند و توصیه به عمل صالح است را فراهم آورد.

۲. نیم نگاهی به ادبیات تعلیمی، چیستی و هدف آن

منظور از ادبیات تعلیمی، نوشته ها و آثاری است که نیکبختی انسان را در بهبودمنش اخلاقی او می داند و برای خواننده پیام و دانش و معارفی را نیز به ارمغان می آورد و تلاش خود را متوجه تهذیب نفس، تزکیه ذهن، پرورش قوای روحی، تعلیم اخلاقی و تعالی کمال انسانی می کند. ادبیات تعلیمی طیف وسیعی از ادبیات فارسی را تشکیل می دهد و بسیاری از شاهکارهای ادبی نیز جنبه تعلیمی و آموزشی دارند. پند و اندرز، آموزه های زهد آمیز و اخلاقیات گونه های رنگارنگ ادبیات تعلیمی فارسی هستند (مشرف، ۱۳۸۹: ۹؛ شمیسا، ۱۳۸۹: ۱۱۱). به بیان دیگر، ادبیات تعلیمی دانشی است که معرفت بشری را چه به صورت عملی یا فطری تشریح می کند و این موضوع را از این جهت که جنبه آموزشی دارد به طور کامل توضیح می دهد. ادبیات تعلیمی گاهی به صورت دانش های عملی و نظری است و گاهی نیز به صورت داستان های تخیلی ارائه می شود؛ اما نکته قابل توجه آن است که هدف هر دو، «تعلیم و آموزش به مخاطب» است (شمیسا، ۱۳۸۹: ۱۱۱). هدف سراینده در شعر تعلیمی آن است تا به آموزش امور دنیوی و اخروی، آموزش مسائل اخلاقی و تعلیم اندیشه های پسندیده مذهبی، دینی، علوم فلسفی و عرفانی و یا علوم و فنون مختلف و یا نظریه و اعتقادات فلسفی به مردم به صورت مؤثر و آسان بپردازد (رزمجو، ۱۳۷۲: ۷۷). موضوع و هدف ادبیات نیز در طول اعصار و قرون، نه تنها در ایران بلکه در سراسر جهان «اغراض اخلاقی و تعلیم و تربیت» بوده است (مشرف، ۱۳۸۹: ۹). بنابراین شعر تعلیمی که موضوع آن اخلاق، دانش و آموختن است، در مرحله ای پیدا می شود که فرد و جامعه به مراتبی از علم می رسند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۲: ۸).

۳. تبیین شاخص های محتوایی ادبیات تعلیمی در اشعار و سیره رضوی

همان طور که گفته شد، ادبیات تعلیمی دارای شاخص های محتوایی و صوری است که ما در این پژوهش از بین شاخص های محتوایی و صوری به مهم ترین شاخص های محتوایی ادبیات تعلیمی در آثار منظوم و منثور (روایات منقول) رسیده از امام رضا (ع) اشاره می کنیم. از جمله مهم ترین این شاخص ها می توان به آموزنده و تهذیب کننده بودن، تأکید بر عقل گرایی، تفکر و علم، بی اعتنایی نسبت به دنیا و نکوهش آن، اشاره به آیات قرآن کریم و روایات، آموزه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، ذکر آموزه ها و ارزش های اخلاقی به شیوه پند و اندرز، آموزه های عرفانی، زهد، تعلیم و رهنمودهای دینی، مذهبی و منقبتی، واقع گرایی و دوری از خیالبافی اشاره کرد. بررسی های انجام شده نشان می دهد که اشعار و روایات متعددی از امام رضا (ع) وجود دارد که در این مقاله تلاش شده است، ضمن بیان و احصای کامل به تحلیل و شرح مضامین اصلی و فرعی آنها پرداخته شود.

۳-۱. آموزنده و تهذیب کننده

منظور از ادبیات تعلیمی و پندآمیز، ادبیاتی است که راه نیکبختی و رستگاری بشر را در سایه تهذیب اخلاقی هدف و غرض خود قرار داده و درعین حال آموزنده و پرورش دهنده باشد (مشرف، ۱۳۸۹: ۹۲). تهذیب اخلاق یکی از مهم ترین فضائل اخلاقی مورد تأکید در سیره امام رضا (ع) است. نمونه های زیر بیانگر این مطلب است:

۳-۱-۱. روایت اول:

روایتی زیبا از امام رضا (ع) در این باره وجود دارد که ایشان سعادت دنیوی و اخروی افراد را در گرو عمل به این پنج رفتار بیان می کنند و می فرماید: هر که پنج چیز را دارا نباشد به دنیا و آخرت او امیدی نرود؛ ریشه ای محکم در خویش [که به آن دست آویزد] و بخشندگی در طینتش و استواری در اخلاقی و نجابتی در نهادش و بیمناکی از پروردگارش را [در خود] سراغ نداشته باشد (حرانی، ۱۴۰۴: ج ۵۲۵۸).

۳-۱-۲. روایت دوم:

در روایت دوم حضرت از اهمیت مهم ترین پایه و اساس دین اسلام، یعنی «نماز» سخن گفته و به دوستدار نشان لزوم توجه و مراقبه به این واجب الهی را یادآور می شوند. از آن حضرت نقل شده است که فرمود: «الصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ» نماز مایه تقرب هر شخص پرهیزکار است (عطاردی، بی تا: ۱۵۵؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۳: ۲۶۵؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۴: ۴۱۶).

۳-۱-۳. روایت سوم:

شیخ صدوق نقل کرده است که روزی حضرت رضا (ع) این اشعار انشاء فرمود و بسیار هم کم انشاء فرمودند: قَالَ:

سَمِعْتُ الرَّضَا (ع) يَوْمًا يُنْشِدُ وَ قَلِيلًا مَا كَانَ يُنْشِدُ شِعْرًا:
 كُلُّنَا نَأْمَلُ مَدًّا فِي الْأَجْلِ وَ الْمَنَائِيَا هُنَّ أَفَاتُ الْأَمَلِ
 لَا تَغْرَتُكَ أَبَاطِيلُ الْمَنَى وَ الزَّمِ الْقَصْدَ وَ دَعْ عَنكَ الْعِلَلَ
 إِنَّمَا الدُّنْيَا كَطَلٍّ زَائِلٍ حَلَّ فِيهِ رَاكِبٌ ثُمَّ رَحَلَ

(ابن بابویه ۱۳۸۷: ق ۱۷۷)

همه ما آرزو می کنیم که عمرمان طولانی شود و مرگ ها، آفت های آرزو هستند. آرزوهای باطل و بیهوده تو را فریب ندهد، ملازم میانه روی باش و بهانه جویی را ترک کن، زیرا که دنیا مانند سایه ای برطرف شونده است که سواری (ساعتی در آن سایه) می نشیند و سپس کوچ می کند (سراج، ۱۳۸۸: ۴۰۳). در این روایت امام دوستداران خود را به توجه به حضور اندک انسان در دنیا معطوف می کنند و میانه روی و ترک بهانه جویی و دوری از آرزوهای پوچ و بیهوده را به مخاطب خود آموزش داده و نفس او را با این اشعار به سمت تهذیب و پاکیزگی رهنمون می شوند.

۳-۱-۴. روایت چهارم:

در روایت چهارم در کتاب منسوب به ایشان در اهمیت دوری از گناهان این روایت زیبا را می خوانیم که فرمودند: «لَا وَرَعَ أَنْفَعُ مِنْ تَجَنُّبِ مَحَارِمِ اللَّهِ وَالْكَفِّ عَنِ أَدَى الْمُؤْمِنِ» هیچ پارسایی (تقوا) سودمندتر از دوری از گناهان و خود داری از آزار مؤمن نیست (منسوب به امام رضا (ع)، ۱۴۰۶: ق ۳۵۶).

۳-۱-۵. روایت پنجم:

در روایت پنجم حضرت فرمودند: «مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ عَزَّ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ» کسی که می خواهد عزیزترین مردم باشد، باید در نهان و آشکار تقوای الهی پیشه سازد (همو، ۱۴۰۶: ق ۳۸۱).

چنانکه روشن است در روایات و اشعار فوق، به خوبی مشاهده می شود که هدف ادبیات تعلیمی و پندآموز بیان شده است، زیرا در هریک از روایات و اشعار آن حضرت نکته ای معرفت آموز در جهت تهذیب نفس که روشن کننده مسیر پیروان آن حضرت باشد، مشاهده می شود. این مطلب نیز در راستای هدف نهایی انبیاء و امامان (ع) قرار می گیرد که وظیفه خود را جز هدایت ابناء بشر به سمت معارف توحیدی چیز دیگری نمی دانستند. در همه اشعار و روایات فوق، آموزنده و تهذیب کننده بودن متن ادبی که یکی از ویژگی های اصلی و شرط لازم برای ادبیات تعلیمی است، توسط روایات و اشعار تعلیمی امام رضا (ع) بیان شده است.

۲-۳. توصیه و تأکید بر عقل گرایی، تفکر و علم

در حقیقت باید خاستگاه به وجود آمدن سه نوع شعر در قالب های حماسی، غنایی و تعلیمی را، تأکید و تمایل انسان به سه قوه دانست؛ زیرا هریک از آنها به یکی از ساخت ها و بافت های ذهنی تمایل دارند؛ شعر حماسی به اراده انسان، شعر غنایی به عاطفه وی و شعر حکمی و تعلیمی مربوط به عقل او می شود (پورنامداران، ۱۳۸۶: ص ۱). بنابراین ادبیات تعلیمی رابطه ای مستقیم با پرورش تفکر و اندیشه دارد، زیرا تا تفکری صورت نگیرد، تعلیم و تعلمی به وجود نخواهد آمد. از این رو امام رضا (ع) توجه و تأکید ویژه ای به عقل و استفاده از آن داشته اند. ایشان عقل را موهبتی الهی از سوی خداوند دانسته و آن را بهترین دوست انسان معرفی می نمایند و برای آن نشانه هایی را برمی شمارند:

۱-۲-۳. روایت اول:

شیخ کلینی در کتاب شریف «کافی» در روایتی از امام رضا (ع) نقل می کند که حضرت فرمود: «يَقُولُ صَدِيقُ كُلِّ امْرِئٍ عَقْلُهُ وَ عَدُوُّهُ جَهْلُهُ». دوست هر انسانی عقل و اندیشه اوست و دشمنش نادانی اوست (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱: ۱۲؛ حرانی، ۱۴۰۴: ج ۴۴۳).

۲-۲-۳. روایت دوم:

روایت دوم را علامه مجلسی در باب اهمیت عقل گرایی نقل می کند: «كُنَّا عِنْدَ الرَّضَا (ع) فَتَدَاكَرْنَا الْعَقْلَ وَالْأَدَبَ فَقَالَ يَا أَبَا هَاشِمٍ: «الْعَقْلُ حَيَاءٌ مِنَ اللَّهِ وَالْأَدَبُ كَلْفَةٌ فَمَنْ تَكَلَّفَ الْأَدَبَ قَدَرَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَكَلَّفَ الْعَقْلَ لَمْ يَزِدْ بِذَلِكَ إِلَّا جَهْلًا». ابوهاشم گوید: خدمت حضرت رضا (ع) بودم و از عقل و ادب گفتگو می کردیم، حضرت فرمود: ای ابوهاشم عقل موهبت خدا است و ادب با رنج و سختی بدست آید، پس کسی که در کسب ادب زحمت کشد، آن را بدست آورد و کسی که در کسب عقل رنج برد، بر نادانی خویش افزایش دهد (همو، ۱۴۰۷: ج ۲۳؛ حرانی، ۱۴۰۴: ج ۴۴۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۷۸، ۴۲۳).

۳-۲-۳. روایت سوم:

در حدیثی دیگر حضرت به ده ویژگی مهم عقل در فرد مسلمان اشاره می نماید: قَالَ الْإِمَامُ الرِّضَا (ع): «لَا يَنْبَغُ عَقْلُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ عَشْرُ خِصَالٍ الْخَيْرِ مِنْهُ مَأْمُولٌ وَالشَّرِّ مِنْهُ مَأْمُونٌ يَسْتَكْتَرُ قَلِيلَ الْخَيْرِ مِنْ غَيْرِهِ وَ يَسْتَقِلُّ كَثِيرَ الْخَيْرِ مِنْ نَفْسِهِ- لَا يَسْأَمُ مِنَ طَلَبِ الْحَوَائِجِ إِلَيْهِ وَ لَا يَمَلُ مِنَ طَلَبِ الْعِلْمِ طَوْلَ دَهْرِهِ الْفَقْرُ فِي اللَّهِ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الْغِنَى وَ الذَّلُّ فِي اللَّهِ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الْعِزِّ فِي عَدُوِّهِ وَ الْخُمُولُ أَشْهَى إِلَيْهِ مِنَ الشُّهْرَةِ ثُمَّ قَالَ (ع) الْعَاشِرَةُ وَ مَا الْعَاشِرَةُ فِيلٌ لَهُ مَا هِيَ قَالَ (ع) لَا يَرَى أَحَدًا إِلَّا قَالَ هُوَ خَيْرٌ مِنِّي وَ أَتْقَى».

عقل شخص مسلمان کامل نمی شود، مگر اینکه ده ویژگی را دارا باشد: امید به خیر او داشته باشند، از بدی او در امان باشند، خیر اندک دیگری را بسیار شمارد، خیر بسیار خود را اندک شمارد، هر چه حاجت از او خواهند؛ دلتنگ نشود، در سراسر عمر از دانش طلبی خسته نشود، فقر در راه خدا از توانگری برایش محبوب تر باشد، خواری در راه خدا از عزت در راه دشمن خدا برایش دوست داشتنی تر باشد، گمنامی را از پرنامی (شهرت) خواهان تر باشد، سپس فرمود: اما دهمی و چه مهم است دهمی! پرسیدند: دهمی چیست؟ حضرت پاسخ داد: کسی را ننگرد، مگر اینکه بگوید او از من بهتر و پرهیزکارتر است (همو، ۱۴۰۴: ج ۷۵: ۳۳۶).

۴-۲-۳. روایت چهارم:

از توصیه های دیگر آن حضرت در باب علم آموزی، تفکر و اندیشه این سخن ایشان است که فرمود: «لَيْسَتْ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصِّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَ إِنَّمَا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ». عبادت نه به بسیاری روزه و نه به فزونی نماز است، بلکه به بسیاری تفکر در امر خداوند است (حرانی، ۱۴۰۴: ج ۴۴۲).

۵-۲-۳. روایت پنجم:

در روایت پنجم حضرت رضا (ع) در ارزش تفکر و استفاده از آن می فرماید: «التَّفَكُّرُ مِرَاتُكَ تُرِيكَ سَيِّئَاتِكَ وَ حَسَنَاتِكَ» تفکر آینه توست، که بدیها و خوبی هایت را به تو نشان می دهد (منسوب به امام رضا (ع)، ۱۴۰۶: ج ۳۸۰).

این دست روایات به اهمیت جایگاه عقل در زندگی انسان اشاره دارد و هریک با تأکید نمودن جایگاه عقلانیت به مخاطب، تعلیمی بودن خود را نمایان می سازد. حضرت عقل را برای انسان یک راهنما می داند که اگر در طول زندگی

فرد از آن استفاده نکند، جز بر نادانی او افزوده نمی شود. در واقع پیوند میان عقل گرایی، علم آموزی با ادبیات تعلیمی و در کل تعلیم و تعلم یک را بطنه مستقیم است و خود باعث پرورش قوه تعقل و تفکر انسان می شود. وجود عقل در آدمی و استفاده درست از آن می تواند انسان را به مسیر درست هدایت کرده و در نهایت به بهشت برساند. این موضوع نیز در سیره بزرگان و علمای اخلاق و عرفان نیز دیده می شود، بی شک یکی از مباحث مهم اخلاقی و عرفانی بحث تفکر و نقش سازنده آن در شکل گیری شخصیت انسان است. عبدالرزاق کاشانی که از عرفای اواسط قرن هفتم هجری است، در این باره می نویسد: «بدان که تفکر عبارت است از جست و جو و کسب بصیرت برای دست یابی به حقیقت.» (کاشانی، ۱۳۷۶: ۴۸). سید شریف جرجانی در کتاب تعریفات، فرآیند تفکر را اینگونه توصیف می کند: «تفکر، چراغ دل است که به وسیله آن خیر و شر و منافع و مضار دل دیده می شود و آن باغ درختان حقایق است... و گفته شده است که تفکر مزرعه حقیقت و موجب فناء دنیا و بقا آخرت و نیز دام پرنده حکمت است.» (جرجانی، ۱۳۷۰: ۲۸). حضرت امام به عنوان پیشتاز عرصه تهذیب و وادی عرفان و اخلاق نیز بر این نکته تأکید دارند که گام نخست در تهذیب، تفکر است. از تفکر به عنوان اولین شرط در مجاهده با نفس و حرکت به سوی خدای تعالی یاد شده است، اینکه انسان به این مطلب در نظام هستی واقف باشد که این همه نعمت از نزول کتاب های آسمانی، فرستادن پیامبران متعدد برای هدایت انسان و وجود اسباب و وسایل آسایش و راحتی اش و داشتن بدن قوی جهت انجام وظایفش، هر یک منافی دارد که عقل ها را حیران می کند. آیا انسان در برابر پروردگارش و این همه نعمتی که به او ارزانی داشته، وظیفه ای ندارد؟ (امام خمینی، ۱۳۷۱: ۲۲).

۳-۳. بی اعتنایی به دنیا و نکوهش آن

درون مایه اصلی و عمده ادبیات تعلیمی نکوهش دنیا و بی اعتنایی به آن است. نگاه دور اندیشانه پیشوایان معصوم (ع) به دنیا نکته ای است که در کلام همه آن بزرگواران مشاهده می شود؛ زیرا همه آنان نور واحداً و کلام هر یک تأیید کننده کلام دیگری است. در اشعار تعلیمی امام رضا (ع) این بحث به روشنی تبیین شده است. شیخ صدوق در روایتی نقل می کند که مأمون به حضرت رضا (ع) نوشت که مرا موعظه کن، آن حضرت در پاسخ چنین مرقوم فرمود:

إِنِّكَ فِي دَارِ لَهَا مَدَّةٌ	يُقْبَلُ فِيهَا عَمَلُ الْعَامِلِ
أَلَا تَرَى الْمَوْتَ مُحِيطًا بِهَا	يُكْذَبُ فِيهَا أَمَلُ الْأَمِلِ
تُعَجِّلُ الذَّنْبَ لِمَا تَشْتَهِي	و تَأْمَلُ التَّوْبَةَ فِي قَابِلِ
و الْمَوْتَ يَأْتِي أَهْلَهُ بَعْتَهُ	مَا ذَاكَ فِعْلُ الْحَازِمِ الْعَاقِلِ

(ابن بابویه، بی تا: ۱۷۶)

تو در خانه ای (دنیا) قرار داری که برای آن مدت و زمانی (محدود) است و کردار عمل کننده در آن مدت قبول می شود. آیا نمی بینی که مرگ احاطه کرده آن را و آرزوی آرزوکننده را تکذیب می کند. برای انجام آنچه می خواهی عجله و شتاب می کنی و توبه را برای آینده آرزو می کنی، و حال آنکه مرگ ناگهان بر اهل خود وارد می شود و این عمل (گناه) کردن به امید توبه در آینده کار انسان با احتیاط و عاقل نیست (سراج، ۱۳۸۸: ۴۰۴).

در این ابیات امام (ع) بی ارزش بودن دنیا از حیث دل بستن به آن را یادآور می شوند، زیرا دنیا به گذرگاهی می ماند که چند صباحی آدمی در آن فرصت بندگی دارد و نباید این هدف ارجمند را فراموش کند که خداوند او را گرامی داشته و در این عالم دنیا بیهوده رها نشده است. ایشان انسان عاقل را فردی می دانند که توبه را - که خود از لوازم بندگی است و به تعبیری می توان نوعی دعا تلقی کرد - به تأخیر نمی اندازد و پیوسته در برابر معبود و مولای خویش مراقبه دارد.

۳-۴. اشاره به آیات قرآنی و احادیث

قرآن کریم بزرگترین منبع معرفت و هدایت بشری برای پیروانش است. محتوای این کتاب آسمانی و معجزه الهی طوری تدوین شده است که با استفاده از مبانی عملی و انسانی قابل انتقال به دیگر انسان ها می باشد. این کتاب آن قدر با عظمت و ارزشمند است، که آخرین فرستاده الهی عهده دار تفسیر و تبیین آن شد. (نحل: ۴۴) و پس از وی اهل بیت ایشان که عدل قرآن معرفی شده اند، عهده دار چنین امر مهمی شدند. امام رضا (ع) که یکی از همان مفسران

واقعی قرآن بودند، در طول زندگی پر برکتشان عنایت بسیار ویژه ای به این راهنمای بزرگ داشته و علاوه بر استفاده ای که در بُعد شخصی و فردی از آن داشته اند، در ابعاد دیگر نیز بهره های فراوانی از این کتاب آسمانی گرفته و به دیگران انتقال داده اند. عشق فراوان امام رضا (ع) به قرآن باعث شده بود که ایشان علاوه بر تلاوت و قرائت و ختم آن، این کتاب آسمانی را تکیه گاه کلام خویش قرار دهد و از رهنمودها و درس های اخلاقی آن برای هدایت جامعه اسلامی به سمت زندگی سعادت‌مندان استفاده نماید (مروجی طیبی، ۱۳۸۵: ۱). استفاده از آیات قرآن کریم و احادیث در اشعار تعلیمی باعث پخته تر شدن شعر منظوم و منثور فارسی و عربی شده است. ایشان درس‌خوان و یا اشعار خود به صورت (مستقیم یا غیرمستقیم) اشاره فراوانی به آیات قرآن کریم داشته اند که در ذیل به مختصری از آنها اشاره می شود. برای مثال به دو نمونه از اشعار تعلیمی آن حضرت که اشاره به آیات قرآن کریم و روایات شده است، را بیان می کنیم:

۳-۴-۱. روایت اول:

امام رضا (ع) در مورد حتمی بودن مرگ چنین عالمانه سروده است:

أَلْمَوْتُ مَحْتُومٌ لِكُلِّ الْوَرَى لَأُبَدَّ أَنْ تَجْرَعَ مِنْ غُصَّتِهِ

(قمی، ۱۴۲۱ق: ۸۸۲)

مرگ برای تمام مردم حتمی است و چاره ای نیست (راه‌گزینی برای هیچ کس وجود ندارد)؛ جز اینکه تلخی و غصه آن را خواهی چشید (سراج، ۱۳۸۸: ۴۱۴).

این بیت از آن حضرت اشاره به حتمی بودن مرگ دارد، همان طور که گفتیم سیره آن حضرت و کلامش برگرفته از قرآن کریم می باشد. همچنانکه قرآن کریم در این باره می فرماید: (كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَمَتَاعٌ الْغُرُورِ) (آل عمران: ۱۸۵) هر جاننداری چشنده [طعم] مرگ است، و همانا روز رستاخیز پاداش هایتان به طور کامل به شما داده می شود. پس هر که را از آتش به دور دارند و در بهشت درآورند، قطعاً کامیاب شده است و زندگی دنیا جز مایه فریب نیست.

این آیه نخست به قانونی اشاره می کند که حاکم بر تمام موجودات زنده جهان است و شامل وعده صدق به مصدقین و تهدید به مکذبین است و می گوید تمام کسانی که در حال زندگی در دنیا هستند، در هر صورت روزی مرگ را خواهند چشید، گرچه بسیاری از مردم مایلند، که فناپذیر بودن خود را فراموش کنند، ولی این واقعیتی است، که اگر ما آن را فراموش کنیم، آن هرگز ما را فراموش نخواهد کرد، حیات و زندگی این جهان، بالاخره پایانی دارد، و روزی مرگ فرا می رسد و انسان ناچار است، از این جهان رخت بربندد. بعضی از مفسرین بر این باورند که این آیه بر وجود عالم دیگر بین دنیا و آخرت (به نام برزخ) اشاره دارد و این مطلب از آنجا مشخص می شود که می فرماید: "تنها جزای کامل و تام و تمام شما، در قیامت داده می شود"، بنابراین معلوم می شود در عالمی دیگر، قبل از قیامت جزا هست ولی بطور توفیه و تام و تمام نیست و این استدلال، استدلال خوبی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۲۰۰، طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ۸۴). شایان ذکر است، مضمون این آیه شریفه با عبارات دیگری در آیاتی دیگر از قرآن کریم ذکر شده است که به حتمی بودن مرگ اشاره دارد (انبیاء: ۳۵، عنکبوت: ۵۷).

۳-۴-۲. روایت دوم:

روایت دوم در باب اشاره به آیات قرآنی بیت زیر از آن حضرت در نهی کردن و فریاد زدن بر نیازمندان است که چنین فرمودند:

لَا تَنْهَرِ الْمَسْكِينَ يَوْمًا أَتَى فَقَدْ نَهَاكَ اللَّهُ عَنْ نَهْرَتِهِ

(کمپانی، ۱۳۵۵: ۲۴۵)

وقتی که مسکین و نیازمندی نزد تو می آید، بر او بانگ و نهیب نزن که تحقیقاً خداوند تو را از بانگ و تشر زدن به او نهی فرمود (سراج، ۱۳۸۸: ۴۰۹).

در قرآن هم به این مطلب اشاره شده است، آنجا که در سوره ضحی می فرماید: (فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ * وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ) (ضحی: ۹-۱۰) و اما [تو نیز به پاس نعمت ما] یتیم را میازار و گدا را مران. این مطلب نشان می دهد که گرچه

برای یتیمان مسأله إطعام و إئفاق مهم است، ولی از آن، مهم تر دلجویی و نوازش و رفع کمبودهای عاطفی است، گویی خداوند به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: تو هم خود یتیم بودی و رنج یتیمی را کشیده‌ای و آن را تجربه کرده‌ای، اکنون از دل و جان (با تمام وجودت) مراقب یتیمان باش و روح تشنه آنها را با محبت سیراب کن. به بیانی دیگر می‌توان گفت که این آیات سه گانه در انتهای این سوره به خاطر وجود حرف "فاء" در ابتدای آیه اول، نتیجه‌گیری از آیه قبل است که عنایات الهی نسبت به رسول خدا (ص) را می‌شمرد، گویا فرموده: تو مانند یک یتیم، طعم ذلتی را که او چشیده است را، چشیده‌ای، و این دلشکستگی را احساس کرده‌ای، پس هیچ یتیمی را خوار نکن، و مال او را هم خوار ندانسته و در آن تجاوز مکن، و (همچنین) تو تلخی گمراهی و نیاز خود به هدایت را، و تلخی فقر و تهی دستی را درک کرده‌ای، پس هیچ سائلی را که از تو می‌خواهد، از خود دور نکن و اگر حاجتش هدایت و یا معاش است، در هر صورت برآور، و تو طعم انعام خدا را بعد از فقر و تهی دستی چشیده‌ای، و ارزش جود و کرم و رحمت خدا را می‌دانی، پس سپاسگزار و شاکر نعمت‌های او باش و همه جا نعمتش را به یاد بیاور، و از مردم پنهانش مکن. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۷: ۱۰۷، طباطبایی، ۴۱۷، ق، ج ۲۰، ۳۱۲).

وجود اندیشه‌هایی برگرفته از قرآن و حدیث در اشعار پیشوایان دین و به ویژه اشعار تعلیمی امام رضا (ع) یک امر طبیعی است، چرا که آن حضرت حافظ قرآن بوده و طبق حدیث ثقلین ثقل اصغر قرآن معرفی شده اند و در نتیجه ترویج‌کننده معارف قرآنی می‌باشند و بیان محتوا و مفهوم آیات در شعر (تلمیح) در عصر این بزرگواران نمود داشته است. اما در شعر معاصر این موضوع وارد واژگان و لفظ شده است و شاعران بیشتر به قالب تضمین به آن اشاره نموده اند.

۳-۵. آموزه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

بی‌شک ائمه (ع) انسان‌هایی نبوده‌اند که زندگی آنها به دور از جامعه و محیط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی باشد، یکی از بارزترین ابعاد امامت آن بزرگواران، بحث رهبری سیاسی و اجتماعی است. نکته قابل توجه در زندگی معصومان این است که آنها با توجه به شرایط مختلف زمانی و مکانی، روش‌های گوناگونی را به کار می‌گرفتند و نوع نگاه آنان به سیاست و اجتماع، نگاهی الهی است که با خدعه و فریب و تزویر رابطه‌ای ندارد و تنها به جریان هدایت بشر به سوی خیر، فضیلت و سعادت می‌باشد. در حقیقت سیاست و حکومت از نظر اهل بیت (ع)، همان تداوم جریان هدایت جامعه بشری به سوی خیر، فضیلت و سعادت محسوب می‌شود و بدیهی است، پیروی از مکتب اهل بیت (ع) تنها راه نجات و رستگاری بشریت است. (حسینی، ۱۳۹۶: ص ۱). امام رضا (ع) با سه خلیفه عباسی یعنی هارون الرشید، امین و مأمون هم عصر بودند و موضع خود را در آن زمان، در قالب اشعار تعلیمی در حوزه سیاسی و اجتماعی به خلفاء انتقال می‌دادند و یا در بستر جامعه به همان شیوه پندگونه به انجام رسالت خود می‌پرداختند. در ذیل نمونه‌هایی از اشعار تعلیمی امام رضا (ع) در همین موضوع بیان شده است که می‌توان بدان استناد کرد:

۳-۵-۱. روایت اول:

امام رضا (ع) در مورد مواجه شدن با فرد دانا و ترک سرزنش دوست در فضای سیاسی و اجتماعی و تعامل با افراد این ابیات را بیان می‌کنند:

إِنِّي لَمِهْجَرُنِي الصَّدِيقُ تَجَنَّبًا وَأَرَاهُ إِنْ عَاتَبْتَهُ أُعْرِبْتَهُ وَأَذَا بُلَيْتُ بِجَاهِلٍ مُتَحَكِّمٍ أَوْلَيْتُهُ مَتَى السُّكُوتَ وَرَبَّمَا	فَأَرِيهِ أَنْ لَهْجَرَةَ أَسْبَابًا فَأَرِي لَهُ تَرَكَ الْعِتَابَ عِتَابًا يَجِدُ الْمُحَالَ مِنَ الْأُمُورِ صَوَابًا كَانَ السُّكُوتُ عَنِ الْجَوَابِ جَوَابًا
---	--

(ابن بابویه، بی تا: ۱۷۵)

دوست از من دوری می‌گزیند و چنان می‌بینم که برای مهاجرت و دوری او علتی وجود داشته است و می‌بینم که اگر او را در این مورد سرزنش کنم، بیشتر در هجرش افکنده ام، پس (او را سرزنش نمی‌کنم، بلکه) ترک سرزنش را برای او سرزنش می‌دانم (یعنی همین که به خاطر فاصله‌ای که از من گرفته چیزی به او نمی‌گویم و او را مذمت نمی‌کنم، بهترین مذمت و سرزنش است). و اگر زمانی به شخص نادان که کارهای محال را صواب می‌داند، گرفتار شوم،

در گفتار با چنین کسی خاموشی (سکوت) اختیار می‌کنم، زیرا چه بسا که جواب ندادن (به نادان) خود بهترین جواب است (آقا نجفی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۴۱۶).

۳-۵-۲. روایت دوم:

علامه مجلسی در روایت دوم در باب آموزه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و در موضوع مناعت طبع، بلند نظری و بی نیازی از غیر خدا از یک سو و عزتمندی و سربلندی در مقابل افراد متکبر از سوی دیگر از آن حضرت نقل می‌کنند که ایشان این ابیات را می‌خواندند:

لَيْسَتْ بِالْعِفَّةِ تَوْبُ الْعِنَى	وَ صِرْتُ أَمْشِي شَامِخَ الرَّأْسِ
لَسْتُ إِلَى التَّسْتَأْسِ مُسْتَأْنَسًا	لَكَيْتَنِي أَنَسُ بِالنَّاسِ
إِذَا رَأَيْتَ التِّيَّهَ مِنْ ذِي الْعِنَى	تَهْتُ عَلَيَّ التَّائِهَ بِالْيَأْسِ
مَا إِنْ تَفَاخَرْتُ عَلَيَّ مُعَدِمٍ	وَلَا تَضَعُضْتُ لِإِفْلَاسِ

(مجلسی، ۱۴۰۳، ق ۴۹: ۱۱۲)

باعفت خود به زیور بی نیازی مزین شده ام و سربلند و سرافراز راه می‌روم، با افراد کوتاه فکر و انسان نما مأنوس نمی‌شوم، بلکه با انسان های واقعی انس می‌گیرم. هرگاه نخوت و تکبر از ثروتمند می‌بینم با غرور و بی تفاوتی با او برخورد کرده و کبر و نخوتش را با توکل به خدا و اتکاء به نفس پاسخ خواهم داد. به چیزهایی که فناپذیر و روبه نیستی هستند فخر و مباهات نمی‌کنم و در پیش پای مفلس و بیچاره سرفرودم نمی‌آورم (اکبری، ۱۳۶۸: ۳۶۶).

۳-۵-۳. روایت سوم:

از دیگر آموزه های اجتماعی که آن حضرت به دوستداران خود سفارش می‌کنند، در مورد ازدواج و دقت در انتخاب همسر است. این ابیات عالمانه از آن حضرت (ع) است:

وَ إِنْ تَزَوَّجْتَ فَكُنْ حَادِقًا	وَأَسْأَلُ عَنِ الْغُصْنِ وَ عَنِ مَنَبَّتِهِ
وَأَبْحَثُ عَنِ الصَّهْرِ وَ أَخْوَالِهِ	مِنْ عُنْصُرِ الْحَيِّ وَ ذِي قُرْبَتِهِ

(کمپانی، ۱۳۵۵: ۲۴۸)

و اگر زنی را به عقد نکاح درآوردی در این کار ماهر باش و از شاخه و ریشه آن (از حسب و نسبش) جويا شو. و اگر دختری را شوهر دهی از داماد و دایی های او و از خاندان و نزدیکانش جستجو و تحقیق کن (همو، ۱۳۵۵: ۲۴۸).

۳-۵-۴. روایت چهارم:

معاشرت با دیگران و توجه ویژه به آزار و اذیت نرساندن به همسایه از دیگر آموزه های مورد تأکید آن حضرت در بُعد اجتماعی است:

لَا بَارَكَ اللَّهُ الْعَلَى فِي امْرٍءٍ	يَلِدُكَ كَالْعَقْرَبِ فِي لَدِغَتِهِ
لَا تَطْلُبُ الْإِحْسَانَ مِنْ غَادِرٍ	يُرْوَعُ كَالْتَّعْلَبِ فِي رَوْعَتِهِ

(کمپانی، ۱۳۵۵: ۲۴۷).

خداوند حال آن کس را مبارک نسازد که مانند کژدم گزنده مردم را نیش می‌زند. نیکویی و احسان را از شخص فریبکار مجو که او مانند روباه حيله گر مردم را فریب می‌دهد (همو، ۱۳۵۵: ۲۴۷). در همین باره نیز در روایتی از آن حضرت آمده است که فرمود: «لیس المؤمن الذی لا یأمن جاره بوائقه» آن کس که همسایه اش از اذیت و آزار او درمان نباشد، از ما نیست (ابن بابویه، بی تا: ۲۴؛ پاینده، ۱۳۶۳: ۶۵۸).

نکته قابل ذکر اینکه آن حضرت در اشعار و احادیث به همه جوانب و بخش های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر خویش و آینده اشاره داشته اند که ما در این مقاله به مختصری از جوانب این موضوع بسنده کردیم، زیرا آن بزرگواران جامع علوم و اشراف کامل بر عصر و زمانه داشته و دارند. با تأمل دقیق تر به ابعاد زندگی ائمه اطهار (ع)، می‌بینیم که

آنها تنها تک بعدی به مسائل نگاه نکرده اند و اینکه فقط بر یک جنبه از زندگی اصحاب و یاران خود و حتی جامعه تأکید داشته باشند، بلکه نصایح آنها چه در قالب روایات منقول و یا اشعار، همه جامع و کامل بوده و ریز مسائل زندگی انسان ها را در برمی گیرد.

۳-۶. بیان آموزه ها و ارزش های اخلاقی به شیوه پند و اندرز

پرداختن به بهره گیری از ارزش های اخلاقی و به ویژه تعلیم و تربیت که هدف اصلی ادبیات تعلیمی به شمار می رود، از ابتدای زندگی انسان ها مهم ترین دغدغه آنان بوده است، چرا که هدف اصلی پیامبران نیز تحقق بخشیدن به همین هدف و غرض در جوامع انسانی بوده است، خاستگاه این مطلب را نیز می توان در قرآن کریم جست و جو کرد؛ آنجا که می فرماید: (هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ) (جمعه: ۲) اوست آن کس که در میان بی سوادان فرستاده ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به ایشان بیاموزد، و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند. در اینجا به ذکر دو نمونه اکتفا می کنیم:

۳-۶-۱. روایت اول:

امام رضا (ع) از رسول خدا (ص) نقل کرده اند که آن حضرت فرمود: «سِتَّةٌ مِنَ الْمَرْوَةِ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي الْحَضَرِ وَ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي السَّفَرِ فَأَمَّا الَّتِي فِي الْحَضَرِ فَتِلَاوَةُ كِتَابِ اللَّهِ وَ عِمَارَةُ مَسَاجِدِ اللَّهِ وَ اتِّخَاذُ الْأَخْوَانِ فِي اللَّهِ وَ أَمَّا الَّتِي فِي السَّفَرِ فَبَدَلُ الزَّادِ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ الْمِرَاحُ فِي غَيْرِ الْمَعَاصِي» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱: ۴۳۷). شش چیز از مردانگی و انسانیت است، سه چیز در حضر است: تلاوت کتاب خدا (قرآن)، آباد کردن مساجد خدا (با پر کردن جمعیت در آن جهت عبادت خدا) و یافتن دوستانی در راه خدا. و اما آن سه چیز که در سفر است عبارتند از: انفاق از توشه، خوش اخلاقی، شوخ طبعی و لطیفه پردازی در غیر معاصی و گناهان.

۳-۶-۲. روایت دوم:

از دیگر ارزش ها و آموزه های اخلاقی در سیره رضوی که به شیوه پند و اندرز بیان شده است، می توان به ارزش و اهمیت سکوت و خاموشی اشاره کرد که آن حضرت به شیوه پند گونه به پیروانش سفارش می نماید:

لِسَانَكَ أَحْفَظُهُ وَ صَنْ نُطْقَهُ	وَ أَحْذَرُ عَلَى نَفْسِكَ مِنْ عَثْرَتِهِ
فَالصَّمْتُ زَيْنٌ وَ وَقَارٌ وَ قَدْ	يُؤْتِي عَلَى الْإِنْسَانِ مِنْ لَفْظَتِهِ
مَنْ أَطْلَقَ الْقَوْلَ بِلَا مَهْلَةٍ	لَا شَكَّ أَنْ يَعْثَرَ فِي عَجَلَتِهِ
مَنْ لَزِمَ الصَّمْتَ نَجِيَ سَالِمًا	لَا يَنْدَمُ الْمَرْءُ عَلَى سَكْتَتِهِ

(کمپانی، ۱۳۵۵: ۲۲۶)

زبان را نگه دار و نطق آن را محفوظ کن و از لغزش آن برجان خود بیمناک باش، پس خاموشی زینت و وقار است و گاهی انسان از یک لفظ به شدت و سختی دچار می شود. آن کسی که بدون تأمل (وبلافاصله) حرف و سخن خود را رها می کند، شکی نیست که در اثر عجله و شتاب لغزش پیدا خواهد کرد. کسی که سکوت و خاموشی را ملتمزم باشد (و رعایت کند) نجات می یابد و سالم می ماند و انسان بر سکوتش پشیمان نمی شود (همو، ۱۳۵۵: ۲۲۶).

از ادبیات تعلیمی غالباً به ادبیات اندرزی هم یاد شده است، اگر بخواهیم این مبحث را از ادبیات تعلیمی حذف و یا کم رنگ تر جلوه دهیم، مخاطب را از دستیابی به هدف اصلی ادبیات تعلیمی که پند و اندرز است، دور ساخته ایم. چنانکه از سخنان ثامن الحجج (ع) بر می آید، ایشان هم در اشعار و یا احادیثشان هدفی جز اینکه مخاطب خویش را در قالب یکی از انواع ادبی مورد پند و اندرز قرار دهند، ندارند. لذا گاهی شرایط اقتضا می کرد که ایشان از شعر استفاده کرده و مطلب را به مخاطب برسانند و گاهی هم در قالب روایتی این امر انجام می شد.

۷-۳. آموزه های عرفانی

عرفان و تصوف معمولاً دو واژه ای هستند که مترادف هم به کار برده می شوند، اما از جهت معنا و اصطلاح تفاوت هایی باهم دارند، به این معنی که تصوف روش و طریقه ای زاهدانه است که براساس مبانی شرع و تزکیه نفس و اعراض از دنیا و از طریق وصول به حق و سیر به طرف کمال ناقل می آید، اما عرفان یک مکتب فکری و فلسفی متعالی برای شناخت حق و شناخت حقایق امور و مشکلات و رموز علوم است. عرفان اصطلاحی بود که از قرن سوم در ادبیات معمول شد و در حقیقت اوج شکوفایی و دوام ادبیات تعلیمی نیز با شکل گیری عرفان و تصوف در ایران همراه شد. عارفان مسلک پیشه معمولاً فرهنگ کناره گیری از دنیا را پیش گرفته بودند و انسان را به ناپایدار بودن دنیا، گذرا بودن لذت ها و غم های آن متوجه می کردند (سجادی، ۱۳۷۲: ص ۸؛ رزمجو، ۱۳۷۲: ۷۹).

۳-۷-۱. روایت اول:

در روایتی امام رضا (ع) از پدرانسان نقل می کنند که حضرت علی (ع) فرمود: «إِذَا أَقْبَلْتَ الدُّنْيَا عَلَىٰ أَحَدٍ أَعَارَتْهُ مَحَاسِنَ غَيْرِهِ وَ إِذَا أَدْبَرَتْ عَنْهُ سَلَبَتْهُ مَحَاسِنَ نَفْسِهِ» هرگاه دنیا به انسانی روی آورد نیکی های دیگران را نیز به او می دهد و هرگاه به کسی پشت کند، نیکی های خودش را نیز از او می گیرد (علم الهدی، بی تا: ۴۷۰؛ مجلسی، ۱۴۰۹: ج ۷۲: ۳۵۷).

۳-۷-۲. روایت دوم:

شیخ صدوق روایتی دیگر از آن حضرت نقل شده است که ایشان درباره دنیا و نکوهش و ناپایدار بودن آن چنین فرمود: «...أَخْرِجُوا مِنَ الدُّنْيَا قُلُوبَكُمْ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْهَا أَبْدَانُكُمْ...» قبل از اینکه بدن هایتان از دنیا خارج شود، دل هایتان را از آن خارج کنید (ابن بابویه، ۱۴۰۰: ق: ۲۲۰).

۸-۳. زهد

زهد یکی از فضائل اخلاقی است که در مورد آن در روایات اهل بیت (ع) سفارشات فراوانی شده است. صفت زهد یکی از منازل راه دین و بالاترین مقامات سالکین است (نراقی، ۱۳۷۸: ۳۳۰). خداوند متعال در کتاب کریم خود می فرماید: (وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الدُّنْيَا لِنَفْسِنَهُمْ فِيهِ وَ رِزْقٌ رَبِّكَ خَيْرٌ وَ أَبْقَىٰ) (طه: ۱۳۱) که اشاره به زندگی زاهدانه رسول خدا (ص) دارد. در فرهنگ اسلام زهد به این معنا نیست که انسان از مال و منال دنیوی برخوردار نباشد، بلکه رکن اساسی و حقیقت زهد آن است که آدمی اسیر دنیا و مظاهر آن نگشته و در عین بهره مندی از آن، امیر و حاکم بر آن باشد. در حقیقت زهد دل کندن از دنیا و پرهیز از آمل و آرزوهایی است که تعلق به آنها انسان را زمین گیر می سازد و به خاطر آن از هدف الهی و معنوی صرف نظر کند (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ج ۱۱: ۱۷۸).

۳-۸-۱. روایت اول:

در روایت اول، ذیل باب زهد از ابراهیم بن عباس اینگونه نقل شده است که گفت: «أَنَّهُ كَانَ (ع) قَلِيلَ النَّوْمِ بِاللَّيْلِ كَثِيرَ السَّهْرِ يُحْيِي أَكْثَرَ لَيَالِيهِ مِنْ أَوْلَاهَا إِلَى الصَّبْحِ وَ كَانَ كَثِيرَ الصِّيَامِ فَلَا يَفُوتُهُ صِيَامٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الشَّهْرِ وَ يَقُولُ ذَلِكَ صَوْمَ الدَّهْرِ وَ كَانَ كَثِيرَ الْمَعْرُوفِ وَ الصَّدَقَةِ فِي السَّرِّ وَ أَكْثَرَ ذَلِكَ يَكُونُ مِنْهُ فِي اللَّيَالِي الْمُظْلَمَةِ فَمَنْ زَعَمَ أَنَّهُ رَأَى مِثْلَهُ فِي فَضْلِهِ فَلَا تُصَدِّقْهُ».

مضمون این حدیث اشاره به زندگی زاهدانه حضرت رضا (ع) دارد که سیره ایشان (چه در سفر و چه در حضر) این بود که بسیار کم می خوابیدند و بسیار بیداری می کشیدند و شب ها را بیشتر به بیداری سپری می کردند و پس از اقامه نماز صبح تاهنگام دمیدن صبح (آفتاب)، خود را به خواندن دعا و تلاوت قرآن مشغول می داشتند (حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۱: ۹۰).

۳-۸-۲. روایت دوم:

روایت دیگری هم از شیخ صدوق است که از ابراهیم بن عباس نقل می کند که امام رضا (ع) این بیت شعر را زیاد تکرار می کردند: «حَدَّثَنَا الْحَاكِمُ أَبُو عَلِيٍّ الْحُسَيْنِيُّ بْنُ أَحْمَدَ الْبَيْهَقِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى الصَّوَلِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو ذَكْوَانَ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ الْعَبَّاسِ قَالَ: كَانَ الرِّضَاعُ يُنْشِدُ كَثِيرًا»

إِذَا كُنْتَ فِي خَيْرٍ فَلَا تَعْتَرِ بِهِ

وَلَكِنْ قُلِ اللَّهُمَّ سَلِّمْ وَتَمِّمْ

(ابن بابویه، بی تا، ج ۲: ۱۷۶)

چون در خوبی و استراحت باشی بآن مغرور مشو و لیکن بگو پروردگارا این نعمت را از تغییر سالم دار و بر من آن را تمام کن (آقا نجفی، بی تا، ج ۲: ۴۲۱).

۹-۳. هماهنگی تعالیم دینی ادبیات تعلیمی با آموزه های معصومین (ع)

این بُعد از شاخص های ادبیات تعلیمی رابطه بسیار نزدیکی با آموزه های تعلیمی معصومان (ع) دارد، چرا که هدف ائمه اطهار (ع) از بیان اشعار و روایات چیزی جز آموزش، تعلیم به پیروانشان نیست. تعالیمی که آنها در قالب روایت و یا شعر ارائه می نمودند، یک هدف واحد داشت و آن اینکه اشعارشان مدح و ثنای خدای متعال و یاد و ذکر او بود. آنها حتی مسائلی چون احکام و معارف قرآنی را نیز در قالب شعر در اختیار دیگران قرار می دادند. از توصیه های آن حضرت در اشعار تعلیمی منظوم و سخنان منثور می توان به موضوعات مختلفی اشاره کرد، از جمله:

۳-۹-۱. روایت اول: در مذمت شرب خمر

مَنْ جَعَلَ الْخَمْرَ شِفَاءً لَهُ فَلَا شِفَاءَ لِلَّهِ مِنْ عِلَّتِهِ

(کمپانی، ۱۳۵۵: ۲۴۴)

کسی که شراب را درمان دردش قرار دهد، خداوند بیماری او را شفا نمی بخشد (همو، ۱۳۵۵: ص ۲۴۴)

۳-۹-۲. روایت دوم: در نکوهش بخل و امساک

فَمَنْ عَدَا بِالْمَالِ ذَا شَحْتِهِ تَدْمُهُ النَّاسَ عَلَى شَحْتِهِ

(کمپانی، ۱۳۵۵: ۲۴۹)

کسی که با وجود توانگری بخیل باشد، مردم او را به خاطر بخل و امساکش مذمت می کنند (همو، ۱۳۵۵: ۲۴۹)

از تعالیم دینی مورد سفارش آن حضرت در ادبیات تعلیمی منثور می توان به روایت ذیل اشاره کرد: امام رضا (ع) از اجدادشان از رسول گرامی اسلام (ص) نقل فرمود: « حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا (ع) عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) قَالَ: خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ص وَ فِي يَدِهِ خَاتَمٌ فَصَهُ جَزَعٌ يَمَانِيٌّ فَصَلَّى بِنَا فَلَمَّا قَضَى صَلَاتَهُ دَفَعَهُ إِلَيَّ وَ قَالَ يَا عَلِيُّ تَخْتَمُ بِهِ فِي يَمِينِكَ وَ صَلَّ فِيهِ أَوْ مَا عَلِمْتَ أَنْ الصَّلَاةَ فِي الْجَزَعِ سَبْعُونَ صَلَاةً وَ أَنَّهُ يُسَبِّحُ وَ يَسْتَغْفِرُ وَ أَجْرُهُ لِصَاحِبِهِ وَ بِاللَّهِ الْعِصْمَةُ وَ التَّوْفِيقُ » مضمون حدیث اشاره به ترویج به دست کردن انگشتر عقیق یمانی است، چرا که هرکس انگشتر عقیق به دست داشته باشد، به او هیچ غمی نمی رسد (ابن بابویه، بی تا، ج ۲: ۱۳۲).

تمامی تعالیم دینی اهل بیت (ع) با شیوه بسیار زیبایی در ادبیات تعلیمی مشاهده می شود و در بیان همه این امور یک هدف واحد مد نظر بوده است و آن بحث توحید و خداشناسی، یاد و ذکر خدای متعال در همه ابعاد زندگی بشر است. در حقیقت باید گفت ادبیات هنگامی ادبیات است که به این دستاوردهای متعالی یعنی تعلیم و تربیت جوامع و نسلها رسیده باشد و در جامعه عصر ائمه (ع) جزء این به منصفه ظهور نرسیده است و تلاش آن بزرگواران همیشه در همین راستا بوده است و بی شک ادبیات کلاسیک سرزمین ما نیز به عنوان یکی از غنی ترین ادبیات ملل از این ویژگی برخوردار است و اگر وسیع تر به موضوع بنگریم روح تعلیم و تربیت در همه ادبیات ما گسترده شده و اینگونه نیست که تنها متونی که ما در آن حوزه ادبیات تعلیمی می شناسیم، فقط مصداق آن در اینجا پیدا شود، بلکه فراتر از آن هم می توان آن را مشاهده کرد.

۳-۱۰. واقع گرایی و دوری از خیالبافی

از صفات و ویژگی های خاص ادب تعلیمی، حقیقی بودن آن است (سید حسینی، ۱۳۶۶: ۲۱۹). از آنجا که پند و نصیحت و بیان آموزه های اخلاقی جزء جدانشدنی از ادبیات تعلیمی هستند، همیشه بیان واقعیت ها و حقایق دارای قالب بسیار لذت بخش بوده است، لذا این نوع ادبی - بر خلاف شعر غنایی که بسیار وهم انگیز و تخیل آمیز است - بر اساس واقع گرایی سامان یافته و مهم ترین شاخصه این نوع ادبی واقع گرایی و پرهیز از وهم و خیال است. این موضوع در اشعار امام رضا (ع) بهتر نمود یافته است که در ذیل به سه نمونه اشاره می شود:

۳-۱۰-۱. روایت اول:

مرحوم شیخ صدوق به سند معتبر از ابان بن صلت روایت کرده است که گفت: حضرت امام رضا (ع) این اشعار را از جناب عبدالمطلب برای من انشاء فرمود:

وَمَالِ زَمَانِنَا عَيْبٌ سِوَانَا	يَعِيبُ النَّاسُ كُلَّهُمْ زَمَانًا
وَلَوْ نَطَقَ الزَّمَانُ بِنَا هَجَانَا	نَعِيبُ زَمَانِنَا وَالْعَيْبُ فِينَا
وَيَأْكُلُ بَعْضُنَا بَعْضًا عَيَانًا	وَإِنَّ الذِّئْبَ يَتْرُكُ لَحْمَ ذَنْبٍ

(ابن بابویه، بی تا، ج ۲: ۱۷۵)

تمام مردم، روزگار را عیب می کنند، در حالی که برای روزگار ما، جز خود ما عیبی نیست (یعنی این ما مردم هستیم که روزگار را بد می کنیم). ما روزگار خود را عیب می کنیم، در صورتی که عیب در خود ما وجود دارد و اگر روزگار حرف می زد، ما را هجو می کرد و یقیناً گرگ، خوردن گوشت گرگ را ترک می کند، در حالی که بعضی از ما آشکارا بعضی دیگر را می خورد، برای فریب دادن مردم پوست آهو را بر تن کردیم، پس وای بر ناشناسی که نزد ما آید (مقصود اینکه ظاهر را زیبا می کنند تا مردم را فریب دهند) (سراج، ۱۳۸۸: ۴۰۵).

۳-۱۰-۲. روایت دوم:

امام رضا (ع) در این اشعار، توجه داشتن به خود و حواس را اشاره دارند و معتقدند که اگر واقع نگر و به دور از خیالبافی قضاوت کنیم، تمام بدی هایی که به بشر می رسد، ثمره و دسترنج خود اوست. به تعبیر صریح آیات قرآن کریم اگر بدی به انسان می رسد، برخاسته از اعمال اوست (فصلت: ۴۶؛ جاثیه: ۱۵).

۳-۱۰-۳. روایت سوم:

در روایتی دیگر از حضرت رضا (ع) نقل شده است که ایشان از پدرانشان حضرت علی (ع) نقل می کنند که در مورد غفلت نورزیدن از خود و واقع گرا بودن فرمود: «مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ رِيحًا وَ مَنْ غَفَلَ عَنْهَا خَسِرَ» آن کس که خود را ارزیابی کند، سود خواهد برد و کسی که از آن غفلت ورزد، زیان خواهد دید (حر عاملی، ۱۳۹۶، ج ۱۶: ۹۵).

علت واقع گرا بودن ادبیات تعلیمی نسبت به ادبیات غنایی همان هدف و بُعد اصلی ادبیات تعلیمی یعنی تعلیم و تعلم و آموزش مسائل اخلاقی، پند و نصیحت است که از گسترده ترین گونه های ادبی به شمار می رود. این گونه ادبی، خوشبختی انسان را در بهبود رفتار و اخلاق او می داند که بن مایه اصلی این نوع ادبی به شمار رفته و در عین داشتن شاخص های محتوایی خاصی در ادب منظوم و منثور فارسی و عربی مطرح و با مضمون پردازی های ظریفی بیان شده است. شایان ذکر است که مسائل تعلیمی، آموزش مسائل اخلاقی را نمی توان در قالب مسائل غیر واقعی به مخاطب آموزش داد و این مورد در این نوع ادبی جایگاهی ندارد. از این رو لازم است که حقیقت و واقعیت جهت آموزش مسائل اخلاقی و تعلیمی بیان شود.

نتیجه گیری

بر اساس تبیین شاخص های محتوایی موجود در سخنان منثور و منظوم امام رضا (ع) چنین نتایجی حاصل می شود: نخست اینکه ادبیات تعلیمی، یکی از انواع ادبی است که در سرتاسر آن سراینده به بیان مسائل اخلاقی و پند و اندرز می پردازد. دیگر آنکه هدف اصلی این نوع ادبی آموزش امور دنیوی و اخروی، آموزش مسائل اخلاقی و تعلیم اندیشه های مذهبی، دینی، علوم فلسفی و آموزه های عرفانی می باشد. سخنان ارزشمند و هدایت گستر امام رضا (ع) نیز در قالب ادبیات تعلیمی منثور و منظوم عمیق ترین و در عین حال دل انگیزترین آموزه های اخلاقی و دینی را در خود جای داده است. بی گمان با بررسی روایات و اشعار تعلیمی امام رضا (ع) به این نتیجه می رسیم که روایات و سخنان منظوم و منثور ایشان سرشار از مضامین اخلاقی و انسان سازی، پند و اندرز، تهذیب نفس و پرورش قوای روحی و تعلیم اخلاقی برای رسانیدن مخاطب به والاترین کمالات انسانی است و حضرت شعر را یکی از راه های اثرگذار در تعلیم این گونه مسائل می دانستند. نکته قابل تأمل دیگر این است که، شاخص های ادبیات تعلیمی در اشعار ایشان برگرفته از آیات قرآن کریم و سخن نیاکان آن بزرگوار است و با نگاه به نیازهای روز جامعه آن عصر و امروزه بیان شده است و همه جوانب مواظ و نکات اخلاقی و فضیلت های مورد نیاز انسان سالک به سوی خدا را شامل می شود. در همه اشعار امام رضا (ع)، هدف ادبیات تعلیمی و شاخص های آن (که همان آموزش و هدایت مخاطبان است) به روشنی نمایان است و تلاش ایشان در انسان سازی تسهیل حرکت تربیتی انسان به سوی کمال است و از میان کارکردهای ادبیات تعلیمی، بعد اخلاقی و فرهنگی آن، در اشعار تعلیمی آن حضرت بیشترین کاربرد را به خود اختصاص داده است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم،
- نهج البلاغه،
- آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)، غررالحکم و دررالکلم، شرح آقا جمال خوانساری، تصحیح و تعلیق جلال الدین ارموی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی (۱۳۷۸ق)، عیون أخبار الرضا (ع)، بیروت: مؤسسه اعلمی.
- ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لایحضر الفقیه، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی (۱۴۰۰ق)، أمالی، بیروت: مؤسسه اعلمی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین.
- آقا نجفی اصفهانی، شیخ محمد تقی (۱۳۸۱)، عیون أخبار الرضا (ع)، ترجمه آقا نجفی، تهران: انتشارات علمیة اسلامیة.
- اکبری، غلامرضا (۱۳۶۸)، مجموعه آثار دومیین کنگره جهانی حضرت رضا (ع)، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۶۵)، نهج الفصاحه، قم: انتشارات جاویدان.
- جرجانی، سید شریف (۱۳۷۰)، تعریفات، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵)، مراحل اخلاق در قرآن، قم: إسرائ.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البیت.

- حسینی، سید مهدی جلال (۱۳۹۶)، «سیره سیاسی امام رضا (ع) در برخورد با حکومت جور»، فصلنامه فرهنگ رضوی، شماره ۱.
- حسینی، سید رضا (۱۳۶۶)، مکتب های ادبی، تهران، نیل.
- خمینی، روح الله (۱۳۷۱)، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- رزمجو، حسین (۱۳۷۲)، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- سجادی، سید ضیاءالدین (۱۳۷۲)، مقدمه ای بر عرفان و تصوف، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها «سمت».
- سراج، محمد ابراهیم (۱۳۸۸)، رضای خدا (پژوهشی جامع در حیات علمی و عملی حضرت رضا (ع)، تهران: مؤسسه انتشارات نبوی.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۹)، انواع ادبی، تهران: میترا.
- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- عطاردی، عزیزالله (بی تا)، آثار و اخبار حضرت امام رضا (ع)، تهران: کتابخانه صدرا.
- عطاردی، عزیزالله (۱۴۰۶ق)، مسند الإمام رضا (ع)، کنگره جهانی امام رضا (ع).
- قمی، شیخ عباس (۱۴۲۱ق)، منتهی الآمال، به اهتمام علی نظری منفرد، قم: جلوه کمال.
- کمپانی، فضل الله (۱۳۵۵)، حضرت رضا (ع)، تهران: انتشارات مفید.
- کاشانی، عبد الرزاق (۱۳۷۰)، اصطلاحات الصوفیه، قم، انتشارات بیدار.
- کلینی، ابوجعفر محمد یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، بحار الأنوار الجامعه لدر الأخبار الأئمه الأطهار (علیهم السلام)، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- مشرف، مریم (۱۳۸۹)، جستار هایی در ادبیات تعلیمی ایران، تهران: سخن.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- منسوب به امام رضا (ع) (۱۴۰۶ق)، فقه الرضا (ع)، مشهد: مرسسه آل البيت.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۷۸)، معراج السعاده، قم: مؤسسه انتشارات هجرت.
- مشتاق مهر، رحمان و سردار بافکر (۱۳۹۴)، «شاخص های محتوایی و صوری ادبیات تعلیمی»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی دهقان، سال هفتم، شماره ۲۶، ۲۸-۱.
- پورنامدaran، تقی (۱۳۸۶)، «انواع ادبی در شعر فارسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه قم، سال اول، شماره ۳، ۷-۲۲.
- مروجی طبسی، محمدجواد (۱۳۸۵)، «سیره قرآنی امام رضا (ع)»، مجله فرهنگ کوثر، شماره ۶۷.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۷۲)، «انواع ادبی و شعر فارسی»، مجله رشد آموزش ادب فارسی، سال هشتم، شماره ۳۲، ۴-۹.
- عرب، حسین، پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران، «بررسی منطق قرآن در بیانات امام رضا (ع)»، تهران.

www.jamaram.ir

امینی، مهدی. ۱۳۹۱ش، سایت پژوهشکده باقر العلوم (ع) www.pajooh.com